

صنفي شدن مجليس اول مشروطه

مهناز سرپيشگي
دانشجوي دوره دکتری تاريخ



اشاره

وسعت اين تحول اجتماعي از جهت ابعاد فکري و حرکتی و نکات مبهم آن، تحقيقات گوناگونی را در ابعاد متفاوت می طلبد. انگیزه‌ی

انقلاب مشروطه در تاريخ معاصر ايران، علی رغم مطالعات و تحقيقات متعددی که صورت گرفته اند، به علت گستردگی و

این تحقیق، گفته‌ی «مخبرالسلطنه»، یکی از رجال تاریخ ایران است که در جریانات انقلاب حاضر و ناظر، و یکی از دست‌اندرکاران مهم سیاسی بود و زمانی که برای تدوین نظام‌نامه‌ی انتخابات با جمعی از تجار و بزرگان به بحث و بررسی پرداختند، با توجه به شرایط، چنان‌چه در نقل قول فوق در خاطرات خویش ذکر می‌کند، نظام انتخابات را بر طبقاتی کردن آن قرار می‌دهد.

صنفی شدن مجلس اول را باید براساس زمینه‌های اجتماعی و ساختار جامعه‌ی ایران دانست و معتقدیم، زمینه‌های اجتماعی و به‌خصوص چهار طبقه و لایه‌ی فعال اجتماعی، یعنی حاکمیت، روحانیت، تجار و اصناف و روشنفکران، عامل اصلی حرکت سیاسی و نهضت مشروطیت بودند و موجب شدند که مبنای قانون انتخابات و قانون اساسی این چهار محور استوار شود. زیرا مسائل سیاسی و اجتماعی، اموری ابتدا به ساکن نیستند و ریشه در تحولات گذشته دارند. لیکن برای پرهیز از درازگویی و رعایت محدودیت حجم مقاله، از پرداختن بدین موضوع خودداری می‌کنم و به تشریح اصل گفتار می‌پردازم.

ویژگی طبقات اجتماعی نمایندگان مجلس اول مشروطه

مفهوم طبقات در ایران با اروپا متفاوت بود و مانند طبقات اروپایی، مستحکم و موروثی نبود. بسیاری از شاهزادگان و تجار مالک نیز بودند و بین افراد یک طبقه، تفاوت ثروت بسیار بود. مثلاً بین مجتهدین بزرگ و طلاب و وعاظ، و هم‌چنین بین تجار و کسبه‌ی کوچک بازار، اختلاف بسیار بود. به‌طور کلی، بین افراد یک طبقه وحدت و سابقه‌ی فعالیت سیاسی وجود نداشت و فقط اصناف و تجار وحدت نسبی و تشکیلاتی داشتند [آدمیت، ۱۳۶۵: ۲۹۹ و ۳۷۱].

با وجود این که انتخابات طبقاتی بود، ولی بین اعضای یک طبقه اتفاق عقیده و وحدتی ظاهر نشد. در عوض، رفته رفته وکلا به دو دسته‌ی تندروان و معتدلان تقسیم شدند. علت به‌وجود نیامدن همبستگی طبقاتی، ویژگی طبقات در ایران بود. برای روشن شدن ماهیت طبقات به توصیف آن‌ها می‌پردازیم:

شاهزادگان: طبق قانون انتخابات، چهار نفر را باید به مجلس می‌فرستادند. آن‌ها علاقه‌ای به انتخاب کردن نمایندگان خود نداشتند، زیرا نفوذ، قدرت و فعالیت سیاسی آن‌ها در خارج از مجلس بود و عکس‌العمل هر یک نسبت به مجلس و مشروطه با دیگری تفاوت داشت. البته انتظار می‌رفت که به عنوان طبقه‌ای که منافعشان در خطر است، با مجلس به مخالفت برخیزند، ولی برخی به جهت منافع شخصی یا فرصت‌طلبی سیاسی و یا اعتقاد به مشروطیت، مخالفت نکردند [اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰].

اعیان، اشراف و ملاکین: منافع شاهزادگان با طبقه‌ی اعیان و اشراف و مالکین چندان متفاوت نبود. در واقع، همه را می‌توان مالک و از یک طبقه دانست. نمایندگان این طبقه در تهران ۱۰ نفر بودند و ۲۱ درصد از کرسی‌های مجلس به این طبقه تعلق داشت. البته مانند شاهزادگان قدرت این طبقه در خارج از مجلس بود [شجیعی، بی تا: ۱۶۵].

علما و طلاب: آن‌ها را از لحاظ علمی و مذهبی نمی‌توان از یک سنخ و مرتبه‌ی اجتماعی دانست، اما به هر حال به دلیل مقام مذهبی، از احترام خاصی برخوردار بودند. علاوه بر این، پشتیبانی آن‌ها از مشروطیت، موفقیت و قدرت سیاسی آنان را در اجتماع تحکیم بخشیده و گسترش داده بود. تندروان مخالف رشد و گسترش نفوذ علما بودند. با وجود نقش مهم آن‌ها در مشروطه، فقط چهار کرسی در تهران به آن‌ها اختصاص داده شد.

تجار: تجار و به‌خصوص تجار بزرگ، سهم بسیار مؤثری در انقلاب مشروطه داشتند. تعداد آن‌ها زیاد نبود، ولی به خاطر ارتباط با سایر تجار و کسبه‌ی بازار و ولایات، نفوذ بسیاری داشتند. این طبقه نه تنها سابقه‌ی مخالفت با دولت را داشت، بلکه سنت همکاری، بین این افراد بیشتر از سایر طبقات بود؛ چنان‌که مخالفت با دولت در موضوع رژی به خوبی دیده شد. این طبقه در مجلس اول نمایندگی، بیش از نیم تا یک درصد جمعیت را داشت و با ۱۰ نماینده، نیروی سیاسی قابل توجهی بود.

اصناف: از بین ۶۰ نماینده‌ی تهران، ۳۲ نفر آن‌ها از اصناف بودند^۱ که البته همه‌ی آن‌ها از طبقه و صنف خود انتخاب نشده و چندین نفرشان، از زمره‌ی علما و تجار بودند. طبق محاسبه‌ای که شده است، ۲۶ درصد کل کرسی‌های مجلس متعلق به اصناف بود. بررسی دقیق منشأ اجتماعی و موقعیت طبقاتی نمایندگان دوره‌ی اول مجلس شورای ملی نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۱ نفری که به نمایندگی مجلس برگزیده شدند، بیش از یک سوم را بازاریان^۲، حدود ۲۹ درصد را علما و طلاب، و ۲۲ درصد را عمال دیوانی، ۵ درصد را شاهزادگان و قاجاریه و ۸ درصد بقیه را سایر مراتب اجتماعی تشکیل می‌دادند. لازم به یادآوری است، این آمار مربوط به کتاب رواسانی است و در منابع متفاوت این آمار به صورت‌های گوناگون ذکر شده است.^۳

در آماري که ناظم الاسلام کرمانی آورده است، مجموع اصناف ۲۵ نفر و مجموع شاهزادگان، علما، تجار، اعیان و اشراف ۲۷ نفر قید شده است. اما معلوم نیست، چرا او ابتدا ذکر می‌کند از «۵۷ نفر نمایندگان تهران» و از طرف دیگر، چرا وقتی قرار بود ۳۲ نماینده از اصناف انتخاب شود، ۲۵ نماینده انتخاب شد. متأسفانه اختلاف در ذکر ارقام، در بیشتر منابع به چشم می‌خورد.

مجلس اول



مظفرالدین شاه سعی داشت، روز ۱۵ شعبان، یعنی روز مولود مسعود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) مجلس گشوده شود، اما مقدمات گشایش تا آن روز فراهم نشد و به روز یکشنبه ۱۸ شعبان موکول گردید. لذا دعوت نامه‌ای از طرف صدر اعظم برای مدعوین ارسال شد. مدعوین عبارت بودند از: علمای اعلام، حجج اسلام، نمایندگان مجلس، شاهزادگان، سفرای کبار و وزرای مختار و سایر بزرگان پایتخت که سه ساعت به غروب مانده، در تالار موزه‌ی کاخ گلستان جمع شدند و شاه علیل و مریض را که آخرین روزهای زندگی خود را می‌گذراند، به زحمت آوردند و روی کرسی سلام نشاندهند. شاه با صدای ضعیف و لرزان خود گفت: «ده سال بود، آرزوی این روز را داشتم. الحمدلله که به مقصود خود رسیدم.» آن‌گاه حالت تأثیری به او دست داد و حلقه‌ی اشکی در چشمان بی‌فروغش نقش بست. با دست مرتعش خود پاکتی را به دست نظام‌الملک داد و گفت: «این نطق ماست، بخوان.»

تصویب قانون اساسی

طرح نخستین قانون اساسی ۵۱ ماده‌ای را حسن پیرنیا و برادرش حسین پیرنیا، فرزندان میرزا نصرالله خان نائینی مشیرالدوله، صدراعظم وقت تهیه کردند و به مجلس فرستادند، لیکن چون مواد آن مستبدانه بود، مورد قبول واقع نشد و عودت داده شد و کلاً خود به تدوین قانون اساسی پرداختند [مذاکرات مجلس دوره‌ی اول: ۱۰]. این بار، مجلس، قانون اساسی را نوشت و برای تصویب به دربار فرستاد. اما دولت که از رد شدن قانونی که خود پیشنهاد کرده بود، رضایتی نداشت، به امید از دست ندادن قدرت خود، در تصویب قانون اساسی مسامحه می‌کرد. مسامحه‌ی دربار و دولت برای این بود که دولتیان با چند اصل آن مخالف بودند.

سرانجام، این قانون در ۵۱ اصل تنظیم شد و در ۱۴ ذیقعدة به امضای شاه رسید و همان شب، شاه دارفانی را وداع گفت. وی هر که بود و هر چه کرد، مورد علاقه‌ی مردم بود و مجلس به پاس احترام او، سه روز تعطیل کرد. در هر صورت، مرگ نابه‌هنگام او را باید ضایعه‌ای برای ملت ایران تلقی کرد.

شاید بی‌مناسبت نباشد که خاتمه‌ی کلام و مقال را با ذکر اصول و عقاید تقی زاده به پایان ببریم. تقی زاده تحصیلات سنتی و مذهبی داشت. در عقاید وی قبل از انقلاب نشانه‌ای از عقاید سوسیالیستی نیست و اگر هم از آن باخبر بود، اشاره‌ای به آن گونه افکار نکرده است. ولی پس از ورود به مجلس، خیلی زود سخن و عقایدش تغییر کرد.

در ذیقعدة ۱۳۲۴، خطاب به وکلای اصناف گفت: «شما صدا به صدای من دهید و با من متفق شده و مطالبه کنید. شما که

این مجلس به حق مجلس ملی و مادر مشروطیت ایران و حتی یک مجلس اساسی بود؛ مجلسی که از ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادى الاولى ۱۳۲۶ برقرار بود و از بزرگ‌ترین، بهترین، شورترین و کاری‌ترین مجالس ملی ایران به شمار می‌رود. این مجلس، علاوه بر قانون‌گذاری، تکالیف مهم بی‌شماری داشت که در تاریخ به هیچ مجمعی محول نشده است. می‌باید مشروطیت را در ایران خلق می‌کرد، مملکت را از حالت بی‌قانونی درمی‌آورد و برای آن چارچوب قانونی می‌ساخت. تمام اصول سیاسی و اداری، و خیلی از ترتیبات اجتماعی چند صد ساله را به هم می‌زد و هرچه زودتر نظامی نوین به جای آن‌ها برقرار می‌کرد. برای تدوین قانون اساسی، بر سر هر ماده‌ای هفته‌ها و ماه‌ها مبارزه می‌کرد، مستبدین، خوانین و ملاکین با ریشه‌ی بسیار قوی ملوک الطوائفی و امرای نیمه‌مستقل را برمی‌انداخت. خانواده‌های ظلم و جور را که بیش از صد سال بود، ریشه‌های خود را در اعماق جامعه دوانده بودند، سرنگون می‌کرد، مردم را از قید و رقت آنان خلاص می‌ساخت و راه سخت و پرنشیب و فراز خود را جنگ کنان و قدم به قدم می‌پیمود.

در مقابل این مجلس، تمامی قوای اهریمنی استبداد، خوانین، حکام، امرا، شاهزادگان و ملاکین بزرگ صف‌بندی کرده بودند. از نیروهای اجتماعی و قدیمی، روحانیون تراز اول و تعدادی از تجار بزرگ با مجلس همراه بودند و با آن راه اعتدال می‌پیمودند.

است، در حالی که شجعی و نیز کسروی در تاریخ مشروطه‌ی ایران، ج ۱، تعداد آن‌ها را ۳۲ نفر اعلام کرده‌اند. ولی مسلم است، هنگام شروع مجلس ۲۵ نفر وارد شدند و ۷ نفر دیگر مشخص نشد که چرا انتخاب نشدند.

منابع

الف) اسناد

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره‌ی اول تقنینیه. ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ قمری. چاپخانه مجلس. تهران. بی‌تا.
۲. کتاب آبی. گزارش‌های محرمانه‌ی وزارت امور خارجه انگلیس درباره‌ی انقلاب مشروطه ایران. به کوشش احمد بشیری (ج ۲). بی‌جا، بی‌تا.

ب) کتاب‌ها

۱. آدمیت، فریدون و ناطق، هما. افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره‌ی قاجار. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۶۵.
۲. آصف، محمدحاشم. رستم‌التواریخ. (ج ۱). انتشارات مشیری. تهران. ۱۳۴۸.
۳. اتحادیه، منصوره. پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت: دوره‌ی اول و دوم مجلس شورای ملی. نشر گسترده. تهران. ۱۳۶۱.
۴. اشرف، احمد. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره‌ی قاجاریه. نشر زمینه. تهران. ۱۳۵۹.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. المآثر و الآثار. به کوشش ایرج افشار. انتشارات اساطیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۳.
۶. افشار، ایرج. مجموعه مقالات تقی‌زاده: تاریخ مختصر مجلس شورای ملی ایران. (ج ۵). بی‌تا. تهران. بی‌تا.
۷. الگار، حامد. نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت (دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه). ترجمه‌ی ابوالقاسم سری. انتشارات توس. بی‌جا. بی‌تا.
۸. دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی: تاریخ معاصر. (ج ۱). انتشارات ابن سینا. تهران. ۱۳۳۱.
۹. رواسانی، شاهپور. دولت و حکومت در ایران در دوره‌ی تسلط استعمار سرمایه‌داری. نشر شمع. بی‌جا. بی‌تا.
۱۰. شجعی، زهرا. نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره‌ی قانون‌گذاری. انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بی‌جا. بی‌تا.
۱۱. مخبرالسلطنه هدایت، حاج مهدی قلیخان. خاطرات و خطرات. کتاب‌فروشی زوار. تهران. چاپ سوم. ۱۳۴۴.
۱۲. ———. گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت، بخش سوم و چهارم. به اهتمام محمدعلی صوتی. نشر نقره. تهران. ۱۳۶۳.
۱۳. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. (ج ۱). بی‌جا. بی‌تا.
۱۴. معاصر، حسن. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران: اسناد محرمانه‌ی وزارت خارجه انگلستان. انتشارات ابن سینا. تهران. ۱۳۴۷.
۱۵. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. نشر بنیاد فرهنگ ایران. تهران. چاپ دوم. ۱۳۶۴.
۱۶. ویلم فلور. تاریخ مردم ایران: جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار (ج ۲). ترجمه‌ی ابوالقاسم سری. انتشارات توس. تهران. ۱۳۶۵.

اساس مملکت و صاحب حقیقی این خاک هستید، شما که جمیع متنفذین و متشخصین ریزه‌خوار محصول شما هستید، شما که این‌ها پول شما را خورده، بالادست شما می‌نشینند و به چشم حقارت به شما می‌نگرند و از صرف مال شما تحصیل علم کرده، افاده‌ی علمی و حقوق دانی به شما می‌فروشند» [ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۴: ۳۱].

تقی‌زاده در یکی از سخنرانی‌های خود در مجلس اول که برای به‌دست آوردن وقت آن فقط هشت روز انتظار کشیده بود، گفت که اولاً اصرار او برای سخنرانی بدان علت بوده که در گفتن اثری هست که در نگفتن نیست. بعد هم صراحتاً خطاب به نمایندگان مجلس گفت که مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آن‌که در راه ترقی و تکمیل هم نیست. اما بلافاصله افزود که با این حال، چشم امید جمیع ایرانیان داخله و خارجه به این مجلس دوخته شده و اصلاح جمیع معایب و رفع نواقص را از ما می‌خواهند. تقی‌زاده از نمایندگان خواست که وقت کثی را کنار بگذارند. از لحظه‌ها و دقائق عمر مجلس استفاده کنند و اوقات گران‌بهای مجلس را صرف تکمیل خود مجلس و شرایط اساسی آن کنند [افشار، بی‌تا: ۲۹-۲۳].

زیرنویس

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۳۹۲، تعداد اصناف را ۲۵ نفر قید کرده است.
۲. ۲۸ نفر از تجار و ۲۹ نفر از اصناف که مجموعاً ۵۷ نفر می‌شدند.
۳. در کتاب دولت و حکومت در ایران از رواسانی، تعداد اصناف ۲۹ نفر ذکر شده